

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۲۰ مهر ۱۳۹۶

آیه مورد بحث

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

عدم تفاوت بین زن و مرد، در صورت انجام عمل صالح همراه با ایمان

در این آیه شریفه از سوره‌ی مبارکه‌ی نحل نکاتی وجود دارد که به طور جدی قابل ملاحظه است و بعضی مربوط به مسائل مطرح روز است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ»، خدای متعال می‌فرماید: کسی که کار خوبی انجام دهد، اعم از مرد و زن، در صورتی که ایمان داشته باشد، ما به او حیات طیبه عطا می‌کنیم.

اولین نکته‌ای که در این آیه کریمه جلب توجه می‌کند این است که حق تعالی موضوع و متعلق این اعطاء از سوی خود را مرد یا زنی قرار داده است، که کار خوب انجام می‌دهد؛ کار خوب، کاری است که خدای متعال آن را عمل صالح نامیده است. بدین ترتیب خدای متعال عطای خود یعنی حیات و زندگی پاکیزه را به این مرد یا زن انجام‌دهنده‌ی عمل صالح عطا می‌فرماید.

خدای متعال انسان را به گونه‌ای خلق فرموده است که اگر بخواهد سعادت‌مند باشد، یعنی در قیامت زندگی راحت و خوب و رضایت‌بخش داشته باشد، بایستی سعی کند که تا وقتی در دنیا زندگی می‌کند کاری انجام ندهد که از سوی حق تعالی اباحه و جواز روی آن وجود ندارد. به عبارت دیگر کار حرام نکند، بلکه تنها کاری را انجام بدهد که خدای متعال تجویز کرده باشد. هرچند کار غیرخوب که حکم آن حکم کراهت است، انسان را جهنمی نمی‌کند، ولی انجام مکروه دو اثر دارد. یک اثر در دنیا است که در مورد بسیاری از کارهای مکروه اثر ضد ارزشی آن دیده می‌شود. اثر دوم این است که یک مقدار از اجر و ثوابی که ممکن بود فرد با ترک عمل مکروه در دنیا، در قیامت به دست می‌آورد، به دست او نمی‌آید.

امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: کسی که از مکروهات اجتناب و دوری کند، خود را از مرز محرمات دور نگاه داشته است. مکروهات مرز محرمات و معاصی است. اگر کسی عملی را مرتکب شود و بداند که مکروه است، یعنی حق تعالی به طور غیر الزامی انجام آن کار را نپسندیده است، خود را به مرز محرمات و گناهان نزدیک کرده، و ممکن است در حرام واقع شود، "يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهَا". نپسندیدن الزامی حق تعالی همان معصیت و حرام است.

حق تعالی کارها و حرکات فیزیکی فرزندان حضرت آدم علی‌نبینا و آله‌وعلیه‌السلام در دنیا، را سبب یک سری از آثار مرئی یا نامرئی قرار داده است. اگر کار ارزشی باشد، آثار آن اجمالاً خوب است که یا خوبی در دنیا و یا خوبی در آخرت محسوب می‌شود. اما اگر کارها ضد ارزشی باشد، آثار ناپسندی دارد، که انسان آن آثار را در دنیا و آخرت و یا فقط در دنیا نمی‌پسندد.

اجر افکار مثبت نزد حق تعالی

تصور بدی کردن یا تصمیم بد گرفتن، تا وقتی به یک حرکت فیزیکی در اعضاء و جوارح انسان منجر نشود، موجب نمی‌شود که این فرد استحقاق عقوبت و عذاب پیدا کند. ممکن است یک انسان در جهت افکار مثبت، مایل شود یا تصمیم بگیرد یک کار خوب انجام دهد اما مانعی به وجود آید و این فرد موفق به انجام کار نشود. حتی ممکن است یک فرد تصور کار خوب کند و میل هم پیدا نکرده باشد. کارهای خوب و مثبت کارهایی است که خدای متعال آن‌را تجویز فرموده، یا خوبی آن را مثل مستحبات اعلام فرموده است. طبق آیات و روایات خدای متعال در برابر این فکر خوب، و این خشنودی و رضایت به کار خوب، یا در برابر این تصمیم خوبی که موفق به انجام آن نشده است، به آن فرد اجر می‌دهد. این فرق فکر خوب با فکر بد است.

یکی از فرمایشات نقل شده از امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه این است: "مَنْ رَضِيَ بِفِعْلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ". در روایت دیگر دارد کسی که کار بد مرتکب شود، یا دیگری را در انجام کار بد کمک کند، یا به کار بدی که دیگری مرتکب شده راضی شود، "العامل بفعل قوم و المعين لهم و الراضى به، شُرَكَاءُ ثَلَاثٌ"، یعنی خدای متعال هر سه را عقوبت می‌کند. در قرآن کریم هم آمده است که تعاون بر اثم و عدوان مجازات دارد. راضی شدن به عمل نادرست شخص بدکار هم مجازات دارد و افراد به تناسب بدی فکرشان یا کار فیزیکی‌شان عقوبت می‌شوند.

آثار تکرار عمل

اگر عملکرد خوب و کار ارزشی تکرار شود، ملکه و یک نوع نیروی خوب و مثبت در فرد ایجاد می‌کند. این نیروی خوب، صاحب خود را به کار خوب دعوت می‌کند و پیام خوب به صاحب خود می‌دهد. خدای متعال در اثر تکرار کار خوب این نیروی خوب را در او به وجود می‌آورد. اثر دیگر این است که انسانی که کار خوب را انجام می‌دهد، با تکرار عمل، سنگینی آن کاهش می‌یابد تا این‌که انسان به کار خوب عادت می‌کند و اگر نیت کند کار خوب انجام دهد آنرا بلافاصله انجام می‌دهد. مانند کودکی که او را به سلام کردن عادت داده‌اند و تا یک نفر را می‌بیند سلام می‌کند.

اختلاف بین کار خوب و کار بد، اختلاف بین آثار کار خوب و آثار کار بد، اختلاف بین خیال کار خوب و خیال کار بد، تماماً دلیل بر محبت حق تعالی به بندگان است، که این امر خارج از عدالت است. عدالت اقتضا می‌کند که اگر شخصی کار خوب کرد، اجر آن را بگیرد و اگر کار بد کرد سزای آن را ببیند؛ اما این روش که اگر فردی نیت کار بد کرد به روی او نیاورند، و اگر نیت کار خوب کرد به او اجر و مزد بدهند، از لوازم عدالت نیست، و از چارچوب عدالت بیرون است، بلکه از فضل و رأفت حق تعالی است.

اگر انسان کار خوبی انجام داد که مورد اجازة حق تعالی بود، یعنی حرمت شرعی نداشت، انجام‌دهنده‌ی این کار، مرد یا زن، طبق این آیه‌ی کریمه به طور مساوی اجر می‌گیرد مگر این‌که اختلاف فهم با هم داشته باشند. دلیل این مطلب روایتی از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. آن حضرت به اصحاب خود فرمودند: در قیامت، انسان جزا داده نمی‌شود مگر به اندازه‌ی فهم و عقل خود. اگر فهم و عقل فرد زیاد باشد، جزا زیادتر است و اگر انسان کم‌فهم باشد جزای او کم‌تر خواهد بود.

در دین مقدس اسلام از لحاظ این خصوصیات و ویژگی‌ها، بین زن و مرد با رعایت شروط آن، هیچ فرقی نیست و هر کس جزای خوب یا بد خود را می‌گیرد. دلیل بر این نکته آیه‌ی مورد بحث از سوره‌ی مبارکه‌ی نحل است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ». یعنی برای من که خدا و خالق او هستم، مرد یا زن بودن عمل‌کننده با سایر شرایط و ویژگی‌هایش، فرق نمی‌کند و جزای او را می‌دهم.

اختلاف زن و مرد در ادیان آسمانی تحریف شده

مرحوم علامه‌ی طباطبایی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در تفسیر شریف المیزان در مورد این آیه‌ی کریمه به طور قطع می‌فرماید: این مطلب که خدای متعال بین وجود زن و وجود مرد، در خلقت روح و مغز آن‌ها فرق گذاشته و آن قوای باطنی را که به مرد عطا کرده، به زن عطا نکرده است، مربوط به دو دین آسمانی تحریف شده یعنی دین یهود و مسیحیت است. این موضوع در آثاری منعکس شده که از کتاب‌های غیر واقعی آن دو دین آسمانی به دست ما رسیده است. بیست‌وپنج-شش نوع انجیل وجود دارد در حالی که آن حضرت تنها یک انجیل از سوی حق تعالی برای مسیحیان آورده بودند. اصحاب درجه‌ی یک آن حضرت به هر مقداری که درک و حافظه داشتند مطالب را روی کاغذ آوردند. همان مطالب هم چند مرتبه تحریف شد و نتیجه‌ی آن، انجیل‌هایی شد که در دست مسیحیان است. انجیل واقعی و تورات واقعی به دست حضرت بقیة‌الله ارواح‌الحالہ‌القدما است.

یک بحث تاریخی مطرح است که چه‌گونه و چه کسانی این شهرت و این نسبت دروغ را به اسلام داده‌اند. این افراد آیه‌ی نودوهفت از سوره‌ی مبارکه‌ی نحل، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ»، را ندیده‌اند که به زن و مرد اجر مساوی داده می‌شود و شرط آن «وَهُوَ مُؤْمِنٌ» است. روحانی‌های بزرگ مسیحی و یهودی این نسبت را به اسلام داده‌اند. حداقل امتیاز قرآنی که در دست ما است، غیر از امتیازهای باطنی آن، این است که در هزار و چهارصد سال یک واو از آن کم و زیاد نشده است.

شیطان از زمان حضرت آدم سلام‌الله‌علیه بوده، و قسم خورده «بِعِزَّتِكَ» و به خدای متعال عرض کرده است تا جایی که بتوانم نمی‌گذارم بندگان تو، قدم در راه سعادت تو بگذارند، «أَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ». همین شیطان آن‌ها را کمک می‌کند تا این تهمت‌ها را به اسلام بزنند. متأسفانه عوام از مسلمانان هم تسلط و اشراف به آیات قرآن ندارند که جواب آن‌ها را بدهند.

فریب‌های شیطان و درخواست آزادی مطلق در دنیا

قرآن در بعضی از آیات می‌فرماید: شیطان ابتدا یکی از فرزندان حضرت آدم را گول می‌زند و او را از راه توحید و خداپرستی خارج و در راه تقلید از شیطان و گناه و خلاف کردن وارد می‌کند. در نتیجه، چنین فردی حاضر است همه نوع تهمت به دین بزند و

انواع پیشنهادهاى ضد ارزش به جامعه عرضه کند. افرادی که از آزادی‌خواهی اسم می‌برند، علاوه بر این که نمی‌توانند این لغت را معنی کنند، نمی‌فهمند که امکان ندارد آزادی مطلق بین دو نفر حاکم باشد، زیرا هر یک خواستار نابودی دیگری است. بدین ترتیب هیچ کدام آزادی ندارند و یک مزاحم برای آن‌ها وجود دارد. حال چگونه ممکن است چند میلیارد نفر با آزادی مطلق در کنار هم زندگی کنند.

کسانی که می‌گویند آزادی می‌خواهیم، نمی‌فهمند چه می‌گویند. آن‌ها اول مطیع شیطان شده و معصیت و گناه کرده‌اند. مرتکب گناه شدن فهم انسانی را از فرد می‌گیرد. در نتیجه ناشایست بودن حرف خود را نمی‌فهمد تا شرمنده شود و باز آن را در جامعه تکرار می‌کند.

شاید بتوان گفت که میل جنس زن به اجابت دعوت‌های شیطانی خیلی بیش‌تر از مرد است. البته به این مطلب یقین نداریم. اگر چنین باشد، علت آن این است که خدای متعال یک سری از قوا و نیروهای باطنی که برای زندگی زن و انجام مسئولیت او لازم است را در او قرار داده است. به عنوان مثال نگاه‌داری حمل در نه ماه است. احساسات زن بیش‌تر از مرد است، و اگر فرزندش بیمار باشد از شب تا صبح زمستان بیداری را تحمل و از طفل خود مراقبت می‌کند. اما پدر این‌گونه نیست، و این سختی را تحمل نمی‌کند.

خدای متعال برای زن تکلیف و وظیفه معین کرده است و انجام این وظیفه به یک سری از قوا نیاز دارد. در مقابل مرد برای کار و تلاش در جامعه به قدرتهایی نیاز دارد که زن محتاج به آن نیست. در برخی برنامه‌های رادیوی معارف که اختلافات در بعضی از ادارات مطرح می‌شود، یک مطلب را مرد چند بار مطرح می‌کند، و گریه هم نمی‌کند، اما یک زن به گریه می‌افتد و نمی‌تواند حرف بزند. چون احساساتی که خدای متعال در او قرار داده، بیش از مرد است. به عکس یک مرد چندین مرتبه ورشکست می‌شود و دوباره کار خود را از ابتدا شروع می‌کند. خدای متعال دو نوع موجود خلق کرده است.

در بازار، هم کار زرگری و هم کار آهن‌گری وجود دارد و هیچ‌کدام نسبت به دیگری برتری ندارد. هم آچار پیچ‌گوشتی بزرگ و هم آچارهای ظریف ساخته شده است که هر یک کاربرد خاص خود را دارد و عدم وجود آن موجب اخلال در کار می‌شود. جایگاه زن و مرد در نظام خلقت هم قابل تعویض نیست. ده‌ها سال قبل غربی‌ها گفته بودند هرگاه خواستید مملکتی را نابسامان کنید جایگاه مرد و زن و پُست‌ها را در آن کشور عوض کنید. به کسی که لیاقت ندارد پست بالا بدهید، و به کسی که بسیار لایق است مسئولیت پایین بدهید که از شدت ناراحتی تاب نیاورد. در ایران از دویست سال قبل همین کار را کردند.

زن و مرد، هریک بایستی ببیند خدای متعال از او چه کارهایی خواسته است، آن‌ها را انجام بدهد، در این صورت ناتوان نمی‌شود. این که یهودی‌ها و مسیحیان این امر غیر واقعی را که در کتاب‌های تحریف‌شده‌ی خودشان وجود دارد به اسلام نسبت داده‌اند و گفته‌اند که زن و مرد با هم فرق دارند، و خدای متعال زن را یک موجود کم‌ارزش یا بی‌ارزش معرفی کرده است، یک بعد سیاسی دارد. مسلمانان هم که غالباً غافل بودند فریب خوردند. مرحوم علامه‌ی طباطبایی می‌فرماید که طبق این آیه در اسلام چنین نقطه نظری وجود ندارد.

نمونه‌هایی بی نظیر از گروه بانوان در اسلام

خدای متعال در بین مسلمین نمونه‌هایی مانند حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به جامعه تحویل داده است که قابل انکار نیست. نظر همه‌ی علمای شیعه این است که مقام این خانم، بعد از پدر بزرگوار و امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه نسبت به سایر انبیا و حتی فرزندان بزرگوار خود بالاتر است. خدای متعال به این خانم چهار فرزند هم عطا کرده است. ایشان از جهت مقام، از جهت فکر، از جهت شعور عالی است.

پدر بزرگوار ایشان سوالی را در بین اصحاب مطرح کردند. هنگامی که آن‌ها نتوانستند جواب صحیح را ارائه کنند، حضرت شخصی را فرستادند تا از آن خانم سؤال کند که نظر ایشان راجع به آن سؤال چیست. خانم برای پدر بزرگوار خود پیغام دادند که بهترین کار و طرح برای زندگی زن در دنیا این است که نه زن، مرد نامحرم را ببیند، و نه مرد نامحرم، زن را ببیند. مقام رسالت با شنیدن این جواب فرمودند: حق همین است، و می‌خواستیم به شما بگوییم که خدای متعال به این خانم چه عطا کرده است.

هیچ مسلمانی اعتقاد ندارد که قرآن برای آن زمان بوده است و در این زمان کارآیی ندارد. کسی چنین اعتقادی دارد که ابتدا شیطان راه او را منحرف کرده و عمل او را آلوده‌ی به بدی‌ها و زشتی‌ها کرده است. در نتیجه، نظر دادن‌های او و پیشنهادات او و فتوای او غیرواقعی است. بیش از نیم قرن قبل خانم امینی‌هاشمی‌اصفهانی در اصفهان، یک فقیه مبرز، حکیم فلسفه‌دان، تفسیردان و از همه جهت عالم بود. یکی از علمای قم که خدمت ایشان رفته بود و چند سؤال علمی هم از او کرده بود، به من گفت ایشان با چادر و کاملاً پوشیده در سالن بزرگی که محل ملاقات با مهمان‌ها بود حاضر شد و بسیار قوی به سوالات پاسخ داد. این نمونه‌ها را خدای متعال به افراد نادان نشان می‌دهد، تا آن‌ها را متوجه کند که لازم است برای رشد خود تلاش کنند زیرا آن‌ها هم انسان هستند. یک چهارپا هم متناسب با فهم خود می‌داند که آزادی مطلق وجود ندارد، زیرا هنگامی که غذای کمی برای چند حیوان وجود دارد، هر یک سعی می‌کند دیگری را از آن غذا دور کند و سهم بیشتری به دست آورد. این بدین معنا است که این‌جا دار تراحم است. انسان از دار تراحم و دنیا توقع آزادی مطلق نمی‌تواند داشته باشد، مگر این‌که عقل نداشته باشد. کسی عقل ندارد که دنبال شیطان رفته، گناه کرده و شعور انسانی از او گرفته شده است، در نتیجه محکم می‌گوید که ما آزادی می‌خواهیم.

بنابر این آیه‌ی کریمه، در دین اسلام زن و مرد مساوی قرار داده شده‌اند، و هر کدام در هر راهی زحمت بکشند پیش می‌روند. اگر مرد بخواهد خود را آلوده کند، «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» می‌شود. زن هم چنین است. این دنیا دار اختیار است، یعنی هر کس قادر است که هر کاری بخواهد را انجام دهد و این امر ارتباطی به مرد یا زن بودن ندارد. نمونه‌های آن هم نشان داده شده است. از ائمه‌ی طاهرین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین نقل شده است که اگر یک مسئله‌ی جدید و مشکلی از ما سؤال کنند، ما به مصحف مادرمان مراجعه و جواب را استخراج می‌کنیم. این مصحف در هر زمان در اختیار امام معصوم صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین در آن زمان است.

تساوی مرد و زن در قوای اصولی و قدرت انتخاب

مرد و زن به لحاظ عقل، ادراک و مغز مساوی هستند و بستگی به این دارد که خودشان چه راهی را انتخاب کنند. حضرت زینب صلوات‌الله‌علیها یکی از آن مصادیق بوده است. با وجود تمام فشارها آن قدر روح آن بزرگان متکی به حق تعالی و توحیدشان قوی بود، که یک کلام اشتباه به زبان نمی‌آوردند. هنگامی که آن خانم در کوفه شروع به خطبه خواندن و صحبت کردن با مردم کرد، ((أَوْمَأْتُ إِلَى النَّاسِ)) اشاره به مردم کرد ((أَنْ أَنْصِتُوا)). این فرمان کرامت ولایی بود که آن جمعیت و حتی مراکب‌شان هم ساکت و آرام شدند. ((حَتَّى سَكَتَ الْأَجْرَاسُ))، زنگ‌ها هم ساکت شد. انسانی که از حقیقت ولایت و ولایت الله، بهره ندارد، نمی‌تواند این مطالب را بفهمد، و سند آن را ضعیف می‌داند. این بزرگواریها، که از اولیای معصومین حق تعالی هستند، آن قدر کرامت از خود نشان داده‌اند که یک انسان منصف نمی‌تواند منکر شود و تشکیک کند.

اولین خطاب ایشان به اهل کوفه این بود که ای اهل کینه و مکر. شما کسی بودید که با پدر من چنان کردید. حضرت، آن‌ها را برای جنگ با دشمنان خدا دعوت کرد اما نیامدند. امام مجتبی صلوات‌الله‌علیه را عاجز و ناتوان کردند که تا مدائن برای جنگ با معاویه رفتند، اما نامه معاویه به دست ایشان رسید که همراهان شما، در کنترل من هستند و قرار است که شما را به من تحویل بدهند. معاویه بسیار مکار بود. او به پیرمردی که برای دزدیده شدن شترش به او مراجعه کرده بود گفت برو و به امام خود بگو من صد هزار سرباز مثل این دزد دارم که شتر نر را از ماده تشخیص نمی‌دهند! چگونه می‌خواهی با من بجنگی؟

اولیای خدا تا قبل از ظهور آن بزرگوار هر چه قدر تلاش کنند نمی‌توانند در دنیا پیروزی مطلق به وجود بیاورند. به فرموده‌ی امام ششم صلوات‌الله‌علیه پیروزی مطلق کار حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله‌علیه است. معنی این کلام این نیست که ما تحرکی نداشته باشیم، بلکه به هر مقداری که می‌توانیم انجام وظیفه می‌کنیم. امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه فرمود ما مأمور هستیم انجام وظیفه کنیم، و مأمور به نتیجه نیستیم. در بعضی از جنگ‌ها مقام رسالت شکست می‌خورد، و شهید می‌داد. علت شکست در جنگ احد تخلف گروهی از مسلمانان بود. انسان موجودی دو بعدی است که بعد حیوانی او غفلت در مغز او ایجاد می‌کند. در نتیجه، انسان خلاف مرتکب می‌شود. علت صدمه خوردن بزرگان کسانی هستند که به وظیفه‌ی خود عمل نکرده‌اند.